تبیین رابطهٔ عوامل کالبدی و کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه با میزان امنیت اجتماعی ساکنین در محیط‌های مسکونی در پیشگیری از جرم بر پایهٔ رویکرد CPTED؛ مطالعهٔ موردی: مجتمع مسکونی چهارصددستگاه شهر قزوین

منیژه اکبرشاهی*، جمال‌الدین سهیلی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

چکیده
انسان‌ها نیازهایی دارند. امنیت یکی از نیازهای مهم بشر است که نقش مهمی در سعادت و سلامت روحی او و جامعه دارد و مسکن جزو نیازهای اساسی انسان، بعد از خوراک و پوشاک است. چنان که در طبقه‌بندی نیازهای مازلو، امنیت در درجهٔ دوم اهمیت و پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است؛ اما این نیاز به‌دلیل رشد فزایندهٔ تقاضای مسکن در اثر افزایش جمعیت و شهرنشینی دهه‌های معاصر در ایران که باعث شده است حجم ساخت‌وساز مسکن به بیشینهٔ خودش برسد و همچنین نگاه یک‌سویه به آن‌ها، تبدیل به مشکلی جدی گردیده است؛ زیرا با این اوصاف، الگوی تولید مسکن تغییر یافته و این امر سبب کاهش کیفیت مسکن شده است. بنابراین، از امنیت آن‌ها کاسته شده است و ظرفیت جرم‌خیزی در فضاهای مسکونی و ترس از وقوع جرم در ساکنین این مناطق افزایش یافته است. توجه‌نکردن برنامه‌ریزان و طراحان مجتمع‌های مسکونی به معیارهای کالبدی‌محیطی در جهت نیازهای انسانی می‌تواند مشکلات اساسی برای ساکنین به دنبال داشته باشد. در واقع، یکی از این مشکلات، وجودنداشتن امنیت اجتماعی در مجتمع‌های امروزی است. در طراحی محیطی، رویکرد CPTED یکی از کارآمدترین رویکردها در بحث ارتقای امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرایم است. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی هم‌بستگی میان چند متغیر امنیت اجتماعی و استفاده از نرم افزار spss انجام شده است. جامعهٔ آماری ساکنین مجتمع مسکونی چهارصددستگاه قزوین است. حجم نمونه با فرمول کوکران محاسبه شده است و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. سنجش و بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ انجام شده است و عدد به‌دست‌آمده ۰/۸ است. در نهایت، بر اساس آزمون فریدمن، به رتبه‌بندی هریک از شاخص‌های مطرح‌شده پرداخته شد که مشخص گردید شاخص کیفیت عملکردی، اولویت اول دارد و پس از آن، به‌ترتیب هریک از شاخص‌های نظارت طبیعی، کیفیت کالبدی، تقویت حریم، خوانایی و قلمروگرایی در ارتقای امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذارند.

کلمات کلیدی: امنیت، پیشگیری از جرم، عوامل کالبدی، مسکن، رویکرد CPTED.

* دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
** استادیار معماری، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. Soheili@qiau.ac.ir

این مقاله بر مبنای پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد خانم منیژه اکبرشاهی است با عنوان طراحی مجتمع مسکونی با بررسی تأثیر عوامل کالبدی معماری در افزایش امنیت اجتماعی که در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، گروه معماری و شهرسازی و به‌راهنمایی استاد آقای دکتر جمال‌الدین سهیلی نگاشته شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

مقدمه

تأمین سرپناه و برقراری امنیت از دیرباز مهم‌ترین دغدغهٔ بشر بوده است. شاید غارنشینی انسان‌های اولیه به‌عنوان اولین تحول زندگی بشر در پی این نیاز بوده است تا مأوا و مأمنی برای دوری از خطرات دائمی زندگی ایجاد کنند. شولتز در کتاب معماری معنا و مکان چنین می‌گوید: «محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی بامعنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد». سپس ادامه می‌دهد: «این وظیفهٔ معمار است که خانه را به‌گونه‌ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می‌کند» (شولتز، ۵۳:۱۳۸۲).

اولین نقطهٔ استقرار انسان، خانه بوده است؛ به این معنا که نخستین فضایی که انسان برای استقرار و قراریافتن خودش برگزید، خانه است. انسان در طی سیر تاریخی به‌منظور یافتن آنچه که در حرکت نمی‌یافت، استقرار پیدا کرد؛ به این معنا که اگر انسان درون خانه‌ای قرار نمی‌گرفت، این امکان برای او فراهم نمی‌شد تا رشد انسانی بیابد. واضح است که انسان علاوه بر نیاز به استقرار در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رهاشدن از برخی قیود اجتماعی، استراحت به‌نحو دل‌خواه، ارتباط با محرمان، خلوت‌کردن با خویش و رازونیاز با خدا دارد. اگر خانه تأمین‌کنندهٔ این نیازها نباشد، مسکن به‌معنای خود نخواهد بود (ارژمند و خانی، ۲۸:۱۳۹۱).

جرم یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی است که به‌طور مستقیم با کیفیت زندگی شهروندان مرتبط است. این ناهنجاری در دوره‌های زمانی مختلف همواره موردتوجه پژوهشگران حوزهٔ علوم رفتاری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... بوده است. از آنجا که وقوع هر نوع جرمی از یک‌سو نیازمند مکان و بستر محیطی مساعد است، لذا وجود برخی ویژگی‌ها در محیط‌های شهری، آن‌ها را به مکان‌هایی جرم‌خیز بدل می‌کند (غفاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۴).

سؤالات پژوهش

دراین‌باره پرسش‌های زیر مطرح است:

۱. چه عاملی بیشترین تأثیر را در مجتمع‌های مسکونی در افزایش امنیت اجتماعی دارد؟

۲. آیا بین کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه با میزان امنیت اجتماعی در محیط‌های مسکونی رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

فرضیات پژوهش

فرضیهٔ اول: وجود عوامل کالبدی معماری که امکان نظارت طبیعی در مجتمع مسکونی دارد، پاسخ‌گوی مناسبی برای افزایش امنیت اجتماعی فضاست.

فرضیهٔ دوم: بین کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه در مجتمع‌های مسکونی با میزان امنیت اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

ادبیات موضوع

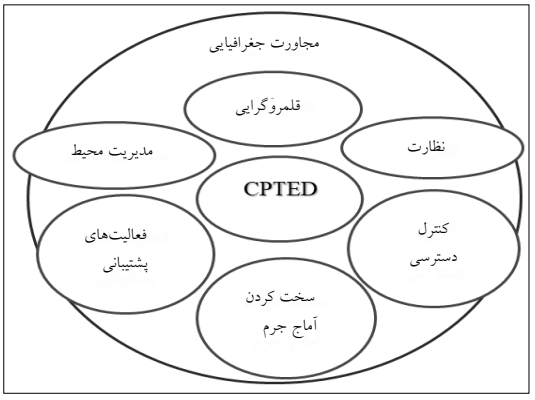
CPTED یک رویکرد اجتماع‌فیزیکی در حوزهٔ جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری است. چنانچه بر ارزیابی و پالایش چهار استراتژی قلمروگرایی، نظارت طبیعی، پشتیبانی فعالیت‌ها و کنترل دسترسی متکی است. ابعاد مهم‌تر مربوط به نگهداری کارا و پایدار و مدیریت فضای شهری است که در فضاهای شهری موردتوجه است (Cozens,2004:2).

واژهٔ CPTED[1] از ترکیب حروف اول واژه‌های عبارت «پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط» به دست می‌آید. یکی از رویکردهای مطرح در شهرسازی برای ارتقای امنیت در فضاهای شهری، رویکرد CPTED است. این رویکرد یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که بر اساس آن با به‌کارگیری طراحی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

مناسب و هدفمند محیط انسان‌ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش دهند و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (اردلانی، کلانتری خلیل‌آباد و دیگران،۱۳۹۲:۱۸).

نظریهٔ (CPTED) بر این ادعا استوار است که با طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از محیط و با بهبود در کیفیت محیط زندگی می‌توان از جرم پیشگیری کرد و بر ترس از جرم نیز غلبه یافت. همان طور که در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌شود، براساس جدیدترین تحقیقات، این نظریه روی هفت مفهوم کلیدی تعیین قلمرو (قلمروگرایی)، نظارت، کنترل ورودی، مدیریت محیط (بهبود کیفیت محیطی)، فعالیت‌های پشتیبانی، سخت‌کردن آماج جرم، مجاورت جغرافیایی (اشاره دارد به تأثیر زمین‌ها و فعالیت‌های نزدیک روی امنیت و ایمنی یک سایت ویژه) تمرکز می‌کند (حسینی دیوشلی و کریمی آذری،۱۳۹۶:۴۶۲).



ت۱. اصول هفت‌گانهٔ نظریهٔ CPTED (همان،۴۶۲)

فضای طراحی‌شده بر اساس CPTED در پی افزایش استفاده از فضاهای عمومی در محیط شهری است. طراحان این رویکرد با ایجاد یک سیکل از طریق برآیند فضاهای عمومی و حضور در فضا، از وندالیسم و جرم پیشگیری می‌کنند. چون فضا به‌خوبی طراحی شده است، بنابراین کاربران احساس امنیت می‌کنند. در نتیجه، فضای خوشایندی است و به‌خوبی استفاده می‌شود (برتاو،۱۳۹۱:۱۱۴).

امنیت در مجتمع‌های مسکونی

بررسی مجتمع‌های مسکونی از لحاظ امنیت موجود در آن‌ها از مباحثی است که دقت بسیاری را می‌طلبد. آنچه امنیت را در رابطه با تراکم جمعیت در ساختمان‌های امروزی آسیب‌پذیر می‌سازد، وجود حالت بیگانه‌بودن افراد از هم و عدم شناسایی یکدیگر است (بمانیان،۱۳۷۸: ۹۰).

در واقع در یک ساختمان، شناخته‌شدن افرادی که در یک واحد زندگی می‌کنند نیز به‌سختی انجام می‌پذیرد؛ چه رسد به زمانی که فردی به‌عنوان مهمان وارد ساختمان شود. واضح است که هرچه میزان ساکنین این‌گونه ساختمان‌ها بیشتر باشند، پدیدهٔ فوق بیشتر خودش را می‌نمایاند. دو عامل دیگر نیز وجود دارند که باعث تشدید پدیدهٔ فوق می‌گردند. نخست وجود ناهماهنگی‌های اجتماعی‌اقتصادی بین ساکنین ساختمان‌هاست که باعث می‌گردد شناسایی‌نکردن و بیگانه‌ماندن افراد نسبت به هم تشدید گردد و دوم، وجود فضاهای عمومی کنترل‌نشده و بددفاع در مجموعه، محیط را برای وقوع جرم و بزهکاری آماده می‌سازد (صدوقیان‌زاده،۱۳۷۵:۶۴).

البته برای کنترل ناامنی در مجموعه‌های بلندی که ساکنین زیادی دارند، یک واحد نگهبانی و کنترل که بر رفت‌وآمد افراد نظارت دارد، در قسمت ورودی این مجموعه‌ها پیش‌بینی می‌شود و این واحدهای نگهبانی در بسیاری از مجموعه‌های آپارتمانی توانسته‌اند محیط امنی را به وجود آورند که هم به‌لحاظ جلوگیری از دزدی و جرم و هم در جهت ایجاد فضاهای باز عمومی امن، خاصه برای کودکان موفق باشند. اما به هر حال باید گفت نظارت عمومی افراد در محل و وجود فضای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

صمیمی و حاکی از شناسایی، بالاترین امنیت را پدید می‌آورد و چنانچه در آپارتمان‌ها این موارد رعایت شوند، امنیت حاصل را می‌توان جزء یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این ساختمان‌ها به شمار آورد (ضرغامی و سادات،۱۳۹۵:۷۸).

نظریه‌پردازان و رویکردها

زمینهٔ نظری شروع مباحث جرم‌شناسی و امنیت شهری را باید از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و مطالعات اولیهٔ اکولوژی شهری جست‌وجو کرد. مکتب اکولوژی شهری با افرادی چون «پارک» در سیر تکوینی خودش به بررسی پدیده‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت، امراض روانی در شهرها و ترسیم نقشه‌های آن پرداخت (سالاری‌فر و معصومی،۱۳۹۶:۱۴۷).

در سال ۱۹۶۱، جین جیکوبز موضوع وحشی‌گری خیابانی را بررسی کرد (جیکوبز،۱۳۸۶:۳۲).

پیشگیری از جرم از سوی طراحی محیط، مشهورترین رویکرد در کاهش فرصت‌های وقوع جرم است. این رویکرد با بهره‌گیری از ایده‌های« اختلاط کاربری»[۲] در شهر و «چشمان ناظر بر خیابان» [۳] آغاز شد که در سال ۱۹۶۱ در کتاب تأثیرگذار مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی جین جیکوبز[۴] مطرح شده بود (غفاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۴).

جیکوبز بر اهمیت تخصیص فضاهای عمومی به الگو و قابلیت حرکت و حضور مردم در فضاهای شهری تأکید دارد (Jacobs, 1961: 15).

عبارت CPTED اولین بار در سال ۱۹۷۱ مطرح شد. بحث پیشگیری از جرم و جنایت، در واقع با انتشار کتاب پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطیCPTED سال ۱۹۷۱، به‌دست یک جرم‌شناس به‌نام، ری جفری[۵]، در دانشگاه ایالت فلوریدا به‌شکلی قاعده‌مند وارد عرصهٔ شهرسازی شد. هم‌زمان با آن نیز رویکردی محدودتر، با نام «فضاهای قابل‌دفاع[۶]» را اسکار نیومن۷ طرح و توسعه داد. هم‌زمان با کار نظری جفری، مطالعات عملی نیومن در اواخر سال ۱۹۷۰ انجام گرفت.

ایدهٔ «فضاهای قابل‌دفاع» هنگامی مطرح شد که جرم و جنایت، به‌دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی، به مسئله‌ای وخیم تبدیل شده بود و گمان بر این بود که تا این شرایط تغییر نکند، برای ازمیان‌بردن جنایت، کاری نمی‌توان انجام داد. نیومن این شیوهٔ اندیشه را خیلی بدبینانه می‌دانست و باور داشت که با تغییردادن محیط فیزیکی می‌توان شرایط موجود را تغییر داد و این امکان را به ساکنان داد که به‌هنگام نیاز، از دارایی و حقوق خودشان دفاع کنند. او برای این کار، آمار جرم و جنایت در برنامه‌های خانه‌سازی ارزان‌قیمت شهر نیویورک را بررسی کرد. وی در پژوهش‌هایش به این نتیجه رسیده بود که در شرایط یکسان اجتماعی، در مناطق مسکونی بلندمرتبه، نسبت به مناطقی که ساختمان‌ها ۳ تا۵ طبقه‌اند، جنایات بیشتری رخ می‌دهد. مطالعات او نشان دادند که در ساختمان‌های مسکونی خیلی بلند، برای قشرهای کم‌درآمد، تا۵۵درصد از جرایم در فضاهای مشاع داخلی (راهروها و آسانسورها و راه‌پله‌ها) رخ می‌دهند که این عدد در ساختمان‌های مسکونی کوتاه‌تر (۳ تا ۵طبقه) به۱۷درصد کاهش پیدا می‌کند(Newman, 1996: 9).

ویلسون و کلینگ[۸] در سال ۱۹۸۲ نظریهٔ معروف خودشان را با عنوان «پنجره‌های شکسته»[۹] دربارهٔ تأثیر منظر فاقد نظم و آثار ناشی از بی‌توجهی ساکنین به ساختمان‌ها و فضاهای محلهٔ خودشان روی رفتار خلافکاران، ارائه کردند.هیلر سال ۱۹۸۸، بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید کرد (Brenda et al, 1997: 276) (جدول شماره ۱).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

ج۱. سه نظریهٔ مطرح در رابطه با جرم و خشونت در فضای شهری (مأخذ: Carmona, 2003: 121)

نظریه پردازان	کنترل فضا/حاکمیت	نظارت	فعالیت
جین جیکوبز	متمایز کردن آشکار عرصهٔ عمومی و خصوصی	نیاز به چشمانی نظاره‌گر از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده‌کنندگان که می‌توانند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جلب می‌کنند، تقویت گردند.	فعالیت‌های هم‌جوار خیابان باید پیوسته‌ای را فراهم کند تا بحث نظارت تقویت گردد
اسکار نیومن	محیط کالبدی باید خصوصیاتی مانند مکانیزم‌های نمادین، مرزها و سلسله‌مراتبی تعریف‌شده از عرصه‌های خصوصی تا عمومی داشته باشد تا پهنه‌های مختلف درک و دانسته شوند.	ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد.	مخالف این نظریه است که حضور فعالیت‌های بیشتر و بالاخص حضور فعالیت‌های تجاری، میزان جرم و جنایت را کاهش می دهند
مؤسسهٔ پیشگیری از جرم (cpted)	کنترل دسترسی‌های طبیعی یا حذف کاهش فرصت دسترسی به هدف جنایت، استفاده از محصوریت های کالبدی که موجب افزایش قوت‌قلب و حس مالکیت ساکنین می‌گردد.	نظارت طبیعی به‌عنوان نتیجهٔ معمولی استفاده از مایملک	بر کاهش فعالیت از طریق حرکت و در نتیجه کاهش سطح فعالیت تأکید دارد

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، پیمایشی است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعهٔ آماری را ساکنان مجتمع مسکونی چهارصددستگاه شهر قزوین تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. در ابتدا منطقهٔ مجتمع مسکونی به ۳۵ بلوک تقسیم شده است و پس از بررسی بلوک‌ها و بر اساس مشاهدات محقق، در نهایت ۱۸ بلوک به ۵ خوشه تبدیل شدند و متناسب با تراکم جمعیت هر خوشه، تعداد نمونهٔ آن تعیین گردیده است. حجم نمونه نیز با فرمول کوکران ۱۸۴ نفر محاسبه شد. اما از آنجا که پیش‌بینی می‌شد برخی پرسش‌نامه‌ها ناقص تحویل داده شوند یا بخشی از آنان مفقود گردند، ۲۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردیدند و پس از کنارگذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، نهایتاً ۱۸۲ پرسش‌نامه تحلیل گردیدند. برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری spss که یکی از نرم‌افزارهای تحقیقاتی می باشد استفاده شده است. در نهایت با تحلیل این شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، مطالعهٔ نیازها و عملکردهای مجتمع های مسکونی و واحد همسایگی برای دستیابی به اهداف تدوین‌شده، راهکارهای عملی ارائه می‌گردند (جدول شماره ۲ و تصاویر شماره ۲ تا ۵).

ج۲. راهکارها و معیارهای کالبدی مؤثر بر ایجاد امنیت در فضاهای شهری از دیدگاه رویکرد cpted

شاخص‌های امنیت اجتماعی	مؤلفه‌ها	راهکارها و پیشنهادات
خوانایی	نشانه‌های بصری	– وجود نشانه‌های بصری در ساختمان‌ها و عناصر شاخص به جهت‌یابی کمک می کند – افراد وقتی که به‌دنبال انتخاب مسیرند، باید توانایی دیدن آن را داشته باشند – تابلوها باید خوانا و شفاف باشند و از علائم و نمادهای استاندارد استفاده شود. اسم خیابان‌ها، کوچه‌ها و شمارهٔ بلوک‌ها در خیابان اصلی نصب شود یا اینکه شمارهٔ خانه روی بتن کنار خیابان حک شده باشد. این کار پیداکردن خانه را برای خدمات اضطراری آسان‌تر می‌سازد
	کنترل دسترسی و ورودی‌ها	– دسترسی ها باید محدود باشند – فقط تعداد اندکی از ساکنین از یک ورودی معین یا فضای بیرونی یک ساختمان استفاده کنند – کم کردن ورودی مجموعه‌های مسکونی یا ساختمان‌ها – وجود نگهبان در ساختمان‌ها
	نور و روشنایی	– ورودی ساختمان‌ها باید کاملاً روشن باشند و از اطراف به‌راحتی رؤیت‌پذیر باشند – همهٔ مسیرها به‌خوبی نورپردازی شوند و اکثر مسیرها آسفالت شوند و لیز نباشند – پیاده‌روها و تمام مسیرها به‌خوبی روشن شوند – روشنایی خوب و نور مناسب فضاها، به سهولت جهت‌یابی و خوانایی کمک می‌کنند و ترس از جرم را کاهش می‌دهد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

		-روشنایی یکنواخت و مناسب در طول خیابان‌ها، ورودی‌های اصلی، اطراف ساختمان‌ها و محوطهٔ پیرامون آن‌ها وجود داشته باشد
نظارت طبیعی (هسته اصلی cpted)	اشرافیت ناظران	– وجود پنجره‌ها و تراس‌هایی با قابلیت دید به فضاهای عمومی و کنترل رفت‌وآمد افراد – مسیرهای پیاده‌رو از ساختمان‌های مجاور دیده شوند – توانایی ساکنان در مشاهدهٔ قلمرو زندگی‌شان و تسلط به فضای بیرون – مسیرهای پیاده‌رو و رمپ‌های ویژهٔ افراد معلول، باید از خیابان‌ها، مغازه‌ها و پنجره‌ها و تراس‌های مشرف به خیابان‌ها و کوچه‌ها مشاهده شوند
	مراقبت طبیعی	– افزایش شفافیت فضاهای مشاع داخلی (حوزه‌های سیرکولاسیون، راهروها، آسانسورها، راه‌پله‌ها و لابی‌ها) – فضای پارکینگ و فضای بازی کودکان به‌نحوی طراحی شوند که از پنجره‌ها و ساختمان‌های مجاور دیده شوند – فضای بازی کودکان نزدیک محل سکونت باشد – چشم‌انداز پنجره‌ها و بالکن‌ها موجب تقویت نظارت خودبه‌خودی و مراقبت از فضای بیرونی می‌شود
	چشمان ناظر بر خیابان	– پنجره‌های بزرگ نظارت اتفاقی را در جهت پیاده‌رو بالا می‌برند – وجود تراس و ایوان که به‌سمت ورودی و کوچه و خیابان دید کافی داشته باشند – جهت‌گیری ساختمان‌ها باید رو به خیابان باشد – ورودی‌ها باید در جلوی ساختمان‌ها قرار داده شوند تا بتوانند نظارت طبیعی توسط ساکنین را فراهم نماید
تعیین قلمرو (قلمروگرایی)	احساس تعلق	– توجه به عرصه‌بندی در سکونتگاه‌ها
	حس مالکیت و امنیت	– مرزهای مالکیت و مسیرهای خصوصی با گیاهان، سنگ‌فرش، دیواره‌ها و پرچین‌های کوتاه، حصار و نرده‌های نمادین مشخص شوند
	دخالت و کنترل ساکنان	– منظرسازی و پرچین‌های کوتاه، خطوط ملک بیرونی و درونی را مشخص می‌کنند – باید از کاشت بوته‌های بلند و درختان انبوه در محدودهٔ پیاده‌روها، ورودی‌ها و پنجره‌ها پرهیز کرد؛ زیرا در پشت درختان بلند و گیاهان انبوه جرم وجنایت می تواند به‌سهولت صورت گیرد
کیفیت عملکردی (پشتیبانی فعالیت‌ها)	اختلاط کاربری	– مجاورت کاربری مسکونی با دیگر امکانات موردنیاز مردم – مغازه‌های همکف در نبش خیابان‌ها، نظارت و مراقبت طبیعی را افزایش می‌دهند – بایستی محل‌های عبور دارای کاربران مداومی باشند تا فضاها خالی نباشند و از این طریق نظارت دائمی وجود داشته باشد
	تنوع فعالیت‌ها و عملکردها	– با استفاده از ترکیب فعالیت‌ها و کاربری‌های متنوع می‌توان فضاها و محیط‌های شهری را در ساعات مختلف شبانه‌روز زنده نگاه داشت و این فضاها را در معرض نظارت همگانی قرار داد (فعال‌بودن فضا در ساعات مختلف از میزان احتمال وقوع جرم و جنایت در آن می‌کاهد)
	حضورپذیری فضا (تعاملات اجتماعی)	– طراحی فضاهایی در حیاط که قابلیت نشستن و شکل‌گیری برخی فعالیت‌های روزمره را داشته باشند – طراحی فضاهایی مثل ایوان‌ها، رواق‌ها، هشتی‌ها و پیاده‌روها که تعامل بین همسایه را تقویت می کنند
کیفیت کالبدی	مقیاس پروژه	– مقیاس انسانی و درک‌پذیر – کنترل فضاهای عمومی برای ساکنین در آپارتمان‌های کم‌واحد راحت‌تر است
	ارتفاع و تراکم ساختمان	– وجودنداشتن ازدحام – ارتفاع ساختمان‌ها باید کوتاه‌تر باشد (۳ تا۵ طبقه) و تراکم متوسط؛ زیرا وجود فضاهای بیکران و بزرگ‌مقیاس در ساختمان‌ها امکان نظارت اجتماعی را کم می‌کند
	اندازه و فرم	– نمایانی فضا – طراحی ساختمان‌ها نباید نقاط کور و دور از دید و مخفی ایجاد کند و کنج‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که فضا رویت‌پذیر باشد. در همین رابطه درمورد انتخاب پوشش گیاهی و منظره‌سازی محیط، درختانی با تنه‌های دراز و برگ‌های سوزنی، بر درختان انبوه و هم‌پوشان ارجحیت دارند – نمای ساختمان باید تا حد ممکن روشن باشد
تقویت حریم	کنترل فضا (محیط)	– پیاده‌روها و ایجاد مکان‌هایی برای قدم‌زدن
	متمایزکردن عرصهٔ عمومی و خصوصی	– جلوگیری از ورود اتومبیل به فضاهای انسانی – تفکیک مسیرهای سواره از پیاده و امنیت ساکنین در عبورومرور – با علامت‌گذاری، فضاهای عمومی و خصوصی به‌راحتی در همدیگر ادغام نمی‌شوند
	مدیریت و نگهداری فضا	– تعمیرکردن پنجره‌های شکسته – نظافت‌کردن منظم (تصویر مثبت از محیط به دیگران القا می کند) – کاربرد مواد و مصالح مقاوم در کف‌سازی که موجب دوام و سهولت نظافت آن‌ها می‌شود و احساس ترس را کاهش می‌دهد. – پاک‌کردن نوشته‌های روی دیوار (پیشگیری از وندالیسم، خرابکاری و جرم) – تعمیرات و جمع‌آوری زباله (زیباسازی محیط) – بهتر است که در مجتمع‌های مسکونی یک خط تلفن برای گزارش خرابکاری‌ها و تقاضای تعمیر آن‌ها تدارک دیده شود

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]



ت۲. (خوانایی و کیفیت عملکردی) وجود نگهبانی در ورودی به‌جهت کنترل دسترسی‌ها و وجود مغازه‌هایی مانند نانوایی و غیره در مجتمع که امکانات موردنیاز مردم را جواب می‌دهند



ت۳. (نظارت طبیعی) پارک ایثار نزدیک محل سکونت است و فضای بازی کودکان در بوستان ایثار که از طریق پنجره‌ها و تراس‌ها و ساختمان‌های مجاور دید کامل به این فضا وجود دارد



ت۴. (قلمروگرایی و کیفیت کالبدی) وجود حصار و نرده‌ها که خطوط ملک بیرونی و درونی را مشخص می‌کند و ارتفاع کم ساختمان‌ها که ۵طبقه‌اند و استفاده از نمای آجری روشن



ت۵. (نظارت طبیعی و تقویت حریم) مسیرهای سواره و پیاده از طریق جدول‌گذاری و نوع سنگ فرش از هم تفکیک شده‌اند و فضای پارکینگ از طریق ساختمان‌ها مشاهده می‌شود

معرفی محدودهٔ پژوهش

محدودهٔ موردمطالعه، مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه است که در منطقهٔ سه شهرداری قزوین، در قسمت شمالی شهر قزوین، در محلهٔ نوروزیان و خیابان جانبازان و فاز دوم بلوار حکیم قرار گرفته است.

تصاویر شمارهٔ ۶ و۷ به‌ترتیب عکس هوایی خیابان جانبازان و موقعیت مجتمع چهارصددستگاه در منطقهٔ سه و شهر قزوین را نشان می‌دهند.

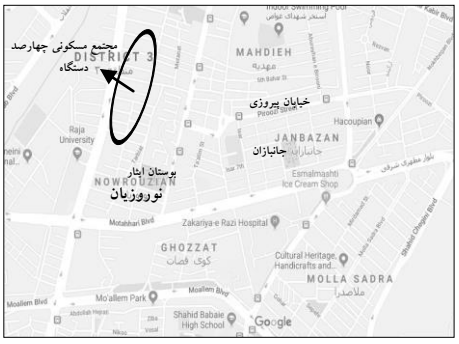
این پژوهش وضعیت امنیت شهری را در این مجتمع با استفاده از شاخص‌های رویکرد CPTED بررسی می‌کند. علت انتخاب این نمونه به‌دلیل امکان تحلیل بر اساس مبانی نظری و شاخص‌های مؤثر در ارتقای امنیت اجتماعی است که در تصویر شماره ۸ بیان شدند.

معرفی متغیرهای پژوهش

همان گونه که در مبانی نظری تحقیق و تصویر شماره ۸ مشاهده می‌شود، شاخص‌های مؤثر در ارتقای امنیت اجتماعی بر پایهٔ رویکرد CPTED، (خوانایی؛ نظارت طبیعی؛ قلمروگرایی؛ کیفیت عملکردی؛ کیفیت کالبدی و تقویت حریم) به‌عنوان معیارهایی برای تبیین الگوهای طراحی در نظر گرفته شده‌اند. حال با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده در بخش مبانی نظری تحقیق، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که می‌توانند در سنجش احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری تأثیرگذار باشند، اشاره شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

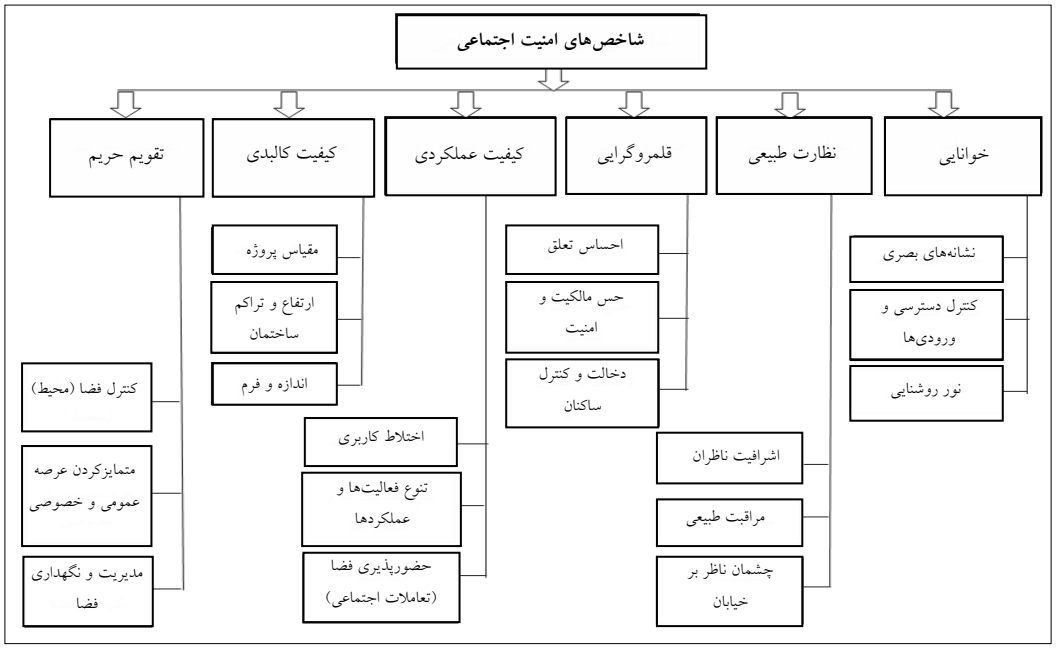
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]



ت۶. خیابان جانبازان در منطقهٔ سه شهر قزوین



ت۷. موقعیت مجتمع چهارصددستگاه در بلوار حکیم



ت۸. مدل مفهومی پژوهش (شاخص‌های امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن)

یافته‌های تحقیق(بحث وبررسی)

برای آزمون فرضیات از ابزار گردآوری داده‌ها که شامل پرسش‌نامه‌ای با ۳۶ سؤال است و نیز برای جواب سؤالات از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. این پرسش‌نامه در اختیار ۱۸۲ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی چهارصددستگاه قزوین قرار گرفته است. پرسش‌نامهٔ موردنظر با توجه به شش شاخصهٔ مربوط به نظریهٔ امنیت اجتماعی تدوین شده است که در بخش مبانی نظری تحقیق و تصویر شماره ۴ راجع به آن صحبت شد. سؤالات مربوط به هر شاخصه به‌صورت زیرند:

- سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ مربوط به شاخصهٔ خوانایی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).
- سؤالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مربوط به شاخصهٔ نظارت طبیعی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).
- سؤالات ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ مربوط به شاخصهٔ قلمروگرایی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).
- سؤالات ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ مربوط به شاخصهٔ کیفیت عملکردی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

- سؤالات ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ مربوط به شاخصهٔ کیفیت کالبدی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).
- سؤالات ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ مربوط به شاخصهٔ تقویت حریم می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷).

محاسبهٔ آلفای کرونباخ

پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ مشخص شده است.

آزمون آلفای کرونباخ یا قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه، یک آزمون آماری است که حاصل آن یک ضریب به‌نام آلفای کرونباخ است. برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه‌ای به کار می‌رود که به‌صورت طیف لیکرت طراحی شده است و جواب‌های آن چندگزینه‌ای‌اند. معمولاً هرچه میزان این ضریب از۰٫۷ بیشتر و به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان از مناسب‌بودن پرسش‌نامه دارد. حال اگر این ضریب بین ۰٫۵ تا۰٫۷ باشد، پرسش‌نامه را قابل‌قبول و زیر ۰٫۵ را نامناسب ارزیابی می‌کنند. از تعداد ۱۸۲ نفر، نمونهٔ درنظرگرفته‌شده برای این پژوهش، ۱۵۴ نفر به کلیهٔ سؤالات مطرح‌شده پاسخ داده‌اند و تنها ۲۴ نفر به کلیهٔ سؤالات پاسخ نداده‌اند. حال طبق محاسبهٔ آلفای کرونباخ، میزان ضریب به‌دست‌آمده برابر با ۰٫۸۴۸ است که طبق آنچه گفته شد، پرسش‌نامهٔ حاضر سؤالات مناسبی در ارتباط با پژوهش داشته است و این مقدار از ضریب آلفای کرونباخ نشان‌دهندهٔ انسجام بیشتر بین گویه‌هاست (جدول شمارهٔ ۳).

ج۳. آزمون پایایی و آمار قابل‌اعتماد با استفاده از آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha)	تعداد سؤالات
۰٫۸۴۸	۳۶

بررسی فرضیات پژوهش

فرضیهٔ اول

وجود عوامل کالبدی معماری که امکان نظارت طبیعی در مجتمع مسکونی را دارد، پاسخ‌گوی مناسبی برای افزایش امنیت اجتماعی فضاست.

در آزمون پیرسون، ضریب هم‌بستگی پیرسون مقداری بین ۱ تا ۱- را نمایش می‌دهد که هرچه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهندهٔ هم‌بستگی مثبت بین متغیرهاست. حال آنکه هرچه این مقدار به ۱- نزدیک‌تر شود، نشان‌دهندهٔ هم‌بستگی منفی بین متغیرهاست. علاوه بر آن، هرچه مقدار ضریب معناداری (Signification) از ۰٫۰۵ کمتر باشد، نشان‌دهندهٔ رابطهٔ معنادار بین متغیرهاست.

سؤالات ۷ تا ۱۲ که در پرسش‌نامه ارائه شده‌اند، مربوط به شاخصهٔ نظارت طبیعی‌اند (جدول شمارهٔ ۷). در این فرضیه، با استفاده از آزمون پیرسون، ضریب هم‌بستگی نظارت طبیعی را روی امنیت اجتماعی بررسی می‌کنیم.

در اینجا نظارت طبیعی متغیر مستقل و امنیت اجتماعی متغیر وابسته‌اند. با توجه به محاسبات صورت‌گرفته و به‌دست‌آوردن مقدار (Signification)، مشخص گردید که شاخصهٔ نظارت طبیعی در ارتقای امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است؛ چراکه مقدار Sig به‌دست‌آمده از ۰٫۰۵ کمتر است و می‌توان این فرضیه را تأیید نمود (جدول شمارهٔ ۴).

ج۴. آزمون هم‌بستگی پیرسون

نظارت طبیعی		
۰٫۵۳۵	Pearson Chi-Squre	امنیت اجتماعی
۰٫۰۰۰	Sig	

فرضیهٔ دوم

بین کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه در مجتمع‌های مسکونی با میزان امنیت اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

قلمرو ثانویه مانند مشاعات مجتمع‌های مسکونی،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

فضاهای همگانی درونی (راهروها، آسانسورها، راه‌پله‌ها و لابی‌ها)، حوزه‌های سیرکولاسیون (بالکن‌های مشترک، فضاهای سبز آزاد و گردهمایی بعد از کارهای روزانه) می‌شود.

قلمرو ثانویه ویژگی‌هایی دارد: ۱. مالکیت ابهام دارد؛ ولی وجود دارد؛ ۲. با یک قانون همه می‌توانند استفاده کنند؛ ۳. روی قیمت ملک تأثیر می‌گذارد؛ ۴. فرد یا گروه حق نظارت و مالکیت دارد؛ ۵. دیگران حق واردشدن دارند؛ ۶. بیگانگان اغلب احساس ناراحتی می‌کنند. قلمروگرایی شامل ایجاد حس مالکیت ساکنین است. در نتیجه، بزهکاران تأثیری از قلمروگرایی را ادراک می‌کنند که ارتکاب جرم را برای آنان دشوار می‌سازد. مشخصه‌هایی نظیر فضای سبز آزاد محوطه، طراحی سنگ‌فرش مسیر پیاده‌رو، نرده‌ها و حصارهای نمادین ورودی برای تعیین حدود ملک و مشخص‌کردن مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی و گسترش مفهوم قلمروگرایی استفاده می‌شوند.

سؤالات ۱۳ تا۱۸ که در پرسش‌نامه ارائه شده‌اند مربوط به شاخصهٔ قلمروگرایی می‌شوند (جدول شمارهٔ ۷). در این فرضیه با استفاده از آزمون پیرسون، ضریب هم‌بستگی قلمروگرایی را روی امنیت اجتماعی بررسی می‌کنیم.

در اینجا قلمرو ثانویه، متغیر مستقل و امنیت اجتماعی، متغیر وابسته‌اند. در این فرضیه، با توجه به اینکه ضریب معناداری کمتر از ۰,۰۵ است، بنابراین می‌توان اذعان نمود بین کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه در مجتمع‌های مسکونی با میزان امنیت اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود دارد (جدول شمارهٔ ۵).

معنادار بودن آزمون فریدمن

قبل از پرداختن به رتبه‌بندی متغیرها، ابتدا معنی‌داربودن آزمون فریدمن بررسی شده است. با توجه به جدول زیر، مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده برابر با ۱۱۰۴,۴۴۰ است که میزان ضریب معناداری نیز از ۰,۰۵ کمتر است و این نشان‌دهندهٔ معناداربودن آزمون فریدمن است (جدول شمارهٔ ۶).

رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر امنیت اجتماعی

حال بر اساس آزمون فریدمن به رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌های مطرح شده پرداخته می شود. طبق جدول ارائه شده مشخص گردید، شاخص کیفیت عملکردی با میانگین امتیاز (۲۱،۹۳) دارای اولویت اول و بیش از سایر شاخص‌ها در ارتقاء امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است. و پس از آن به ترتیب هر یک از شاخص‌های نظارت طبیعی (۲۰،۲۴)، کیفیت کالبدی (۱۸،۲۳)، تقویت حریم (۱۶،۳۳)، خوانایی (۱۵،۷۷) و قلمروگرایی (۱۵،۰۲) در اولویت قرار می گیرند (تصویر شماره ۹) (جدول شماره۷).

ج۵. آزمون هم‌بستگی پیرسون

		قلمرو ثانویه
امنیت اجتماعی	Pearson Chi-Squre	۰,۳۱۵
	Sig	۰,۰۰۰

ج۶. معناداربودن آزمون فریدمن

Test Statistics	
158	N
1104.440	Chi-Square
35	Df
0.000	Asymp. Sig



ت۹. رتبه‌بندی‌شاخص‌های مؤثر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

ج ۷. رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر امنیت اجتماعی

شاخص‌های امنیت اجتماعی	سؤالات	Mean Rank	میانگین هر معیار
خوانایی	۱) به چه میزان در مسیریابی به بلوک‌ها و دسترسی به فضاهای مختلف احساس راحتی می‌کنید؟	17.33	۱۵،۷۷
	۲) به چه میزان شمارهٔ بلوک ها، خوانا و شفاف‌اند؟	13.89	
	۳) دسترسی به بلوک‌ها و ورودی واحدها به چه میزان کنترل می‌شود تا هر غریبه‌ای وارد نشود؟	19.51	
	۴) به چه میزان راضی‌اید که دسترسی و ورودی بلوک‌ها محدود و کم باشند؟	16.49	
	۵) هنگامی‌که در شب به‌تنهایی در محیط مجتمع قدم می‌زنید، به چه میزان احساس امنیت می‌کنید؟	11.36	
	۶) در شب، به چه میزان روشنایی مجتمع امکان دیدن در محیط را فراهم می‌کند؟	17.50	
نظارت طبیعی	۷) در واحدهای مسکونی به چه میزان از تراس و پنجره استفاده شده است؟	16.08	۲۰،۲۴
	۸) در این مجتمع به چه میزان از فضاهای اوقات فراغت در فضای باز استفاده شده است؟	26.71	
	۹) هنگامی‌که شما در منزل قرار دارید و کودک شما در فضای باز مجتمع بازی می‌کند، به چه میزان می‌توانید از داخل منزل کودکتان را زیر نظر بگیرید؟	19.77	
	۱۰) وقتی شما به مسافرت می‌روید، به چه میزان همسایه‌تان مراقب واحد شماست؟	20.56	
	۱۱) در خصوص چشم‌اندازهای قابل رؤیت از داخل به خارج واحد مسکونی به چه میزان احساس رضایت می‌کنید؟	19.82	
	۱۲) از داخل واحد مسکونی به چه میزان کوچه، خیابان یا محلهٔ شما دیده می‌شود؟	18.54	
قلمروگرایی	۱۳) به چه میزان خود را متعلق به مجتمع و مجتمع را متعلق به خود می‌دانید و نسبت به آن احساس مطلوبی دارید؟	12.98	۱۵،۰۲
	۱۴) به چه میزان تمایل به ادامه سکونت در این مجتمع دارید؟	12.85	
	۱۵) در مجتمعی که ساکن هستید به چه میزان احساس امنیت و آرامش می‌کنید؟	12.60	
	۱۶) به چه میزان نسبت به اتفاقاتی که در مجتمع می‌گذرد، حساسیت نشان می‌دهید؟	18.24	
	۱۷) به چه میزان معتقدید که اگر با مشکلی مواجه شوید، همواره همسایه‌تان برای کمک به شما می‌آید؟	17.76	
	۱۸) چنانچه در مجتمع شما قرار باشد کاری مانند احداث فضای سبز یا درختکاری انجام شود، به چه میزان از نظر زمانی یا مالی حاضر به مشارکت هستید؟	15.74	
کیفیت عملکردی	۱۹) امکانات موجود در مجتمع شامل امکانات رفاهی، ورزشی و خدماتی به چه میزان رضایت شما را برآورده نموده‌اند؟	25.99	۲۱،۹۳
	۲۰) به چه میزان در این مجتمع فروشگاه و مکان‌هایی وجود دارند که مایحتاج روزانهٔ شما را تأمین می‌کنند؟	22.26	
	۲۱) به چه میزان با همسایگان خود در فعالیت‌های مشترک (مانند برگزاری جشن ها، راه‌انداختن مراسم مذهبی، نذورات و...) شرکت دارید؟	19.81	
	۲۲) به چه میزان تمایل دارید در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی در مجتمع شرکت کنید؟	17.17	
	۲۳) به چه میزان از زمان هفتگی خود را به حضور در فضاهای سبز و باز، همراه با همسایگان اختصاص می‌دهید؟	24.57	
	۲۴) به چه میزان همسایه‌های خود را می‌شناسید و با آن‌ها روابط اجتماعی دارید؟	21.78	
کیفیت کالبدی	۲۵) به چه میزان از تعداد کل واحدهای مسکونی و بلوک‌ها در این مجتمع رضایت دارید؟	20.39	۱۸،۲۳
	۲۶) به چه میزان در این مجتمع فضای بازی کودکان وجود دارد؟	27.15	
	۲۷) به چه میزان از ارتفاع کلی بلوک‌ها احساس رضایت می‌کنید؟	22.52	
	۲۸) مجتمع مسکونی که در آن سکونت دارید، از نظر تعداد ساکنین به چه میزان شلوغ است؟	21.15	
	۲۹) از ابعاد و اندازهٔ فضاها و مساحت کل واحد به چه میزان احساس رضایت دارید؟	19.32	
	۳۰) بالکن‌هایی که در واحدها قرار گرفته‌اند به چه میزان به محیط مجتمع دید کافی دارند؟	18.17	
تقویت حریم	۳۱) اگر در مجتمع کیفتان را گم کنید، به چه میزان احتمال می‌دهید که اگر ساکنان مجتمع پیدا کنند آن را به شما برمی‌گردانند؟	18.00	۱۶،۳۳
	۳۲) به نظر شما اگر آپارتمان‌های کمتر در بلوک‌ها طراحی شوند، به چه میزان کنترل فضاهای عمومی برای ساکنین راحت‌تر است؟	17.62	
	۳۳) در خصوص نحوهٔ تفکیک و جداسازی عرصه‌های عمومی و خصوصی مجتمع به چه میزان احساس رضایت می‌کنید؟	20.83	
	۳۴) به چه میزان در این مجتمع دسترسی های سواره و پیاده، تفکیک و از هم جدا هستند؟	22.44	
	۳۵) به چه میزان به تمیزی و زیباسازی محیط مجتمع اهمیت می‌دهید؟	9.02	
	۳۶) اگر بچه‌ها در مجتمع به اموال عمومی آسیب بزنند، چه میزان احتمال دارد به آن‌ها تذکر بدهید؟	10.09	

نتیجه

بر اساس مدل مکان امن و پایدار، کیفیت طراحی محیطی را می‌توان به‌عنوان برآیند شاخص‌های خوانایی، نظارت طبیعی، قلمروگرایی، کیفیت عملکردی، کیفیت کالبدی و تقویت حریم مکان‌ها نتیجه‌گیری نمود. شاخص نظارت طبیعی که مؤلفه‌هایی همچون اشرافیت ناظران، مراقبت طبیعی و نظریهٔ چشمان ناظر بر خیابان را مطرح می‌کند که می‌تواند ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا ایجاد کند. این مورد در به‌کارگیری عوامل کالبدی معماری در طرح و منظرهٔ ساختمان می‌تواند به کار گرفته شود. ازاین‌رو، معماری و طراحی فضا با استفاده از این مؤلفه‌ها یکی از ابزارهایی است که می‌توان از آن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]

برای ایجاد نظارت طبیعی و مراقبت همسایگی بهره جست. در واقع نظارت و کنترل دسترسی می‌تواند به تقویت قلمروگرایی کمک کند. بنابراین طراحی مؤثر می‌تواند خانه‌هایی بنا کند که ایجاد احساس قلمرو نماید. نتیجهٔ شاخص‌ها و مؤلفه‌های ذکرشده، منجر به تقویت الگوهای اجتماعی در میان افراد می‌شود و باعث برقراریامنیت در محیط می‌گردد.

پی‌نوشت

1. Crime Prevention Through Environmental Design
2. Mixed-use
3. Eyes on the street
4. Jane Jacobs
5. Jeffery, c.Ray
6. Defensible Space
7. Oscar Newman
8. James Q.wilson and George L.kelling
9. Broken Windows

فهرست منابع

– اردلانی، روناک؛ کلانتری خلیل آباد، حسین؛ سراجی، سروه؛ پوراحمد، عطیه. (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری مبتنی بر تفکیک جنسیتی با رویکرد CPTED (نمونهٔ موردی: محلهٔ فرهنگیان، شهر بناب). فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شمارهٔ دوازدهم، صص۱۸.

– ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱)، نقش خلوت در معماری خانهٔ ایرانی. فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شمارهٔ هفتم، صص۲۸.

– برتاو، عیسی. (۱۳۹۱)، درآمدی بر ارتباط مکان و جرم. مجلهٔ کارآگاه، دورهٔ دوم، سال پنجم، شمارهٔ ۱۹، صص۱۱۴.

– بمانیان، محمدرضا. (۱۳۷۸)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ساختمان‌های بلند در ایران. پایان‌نامهٔ دکترای شهرسازی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، صص۹۰.

– پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۹)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳) از فضا تا مکان. چاپ اول، انتشارات آرمانشهر.

– جیکوبز، جین. (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمهٔ حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. انتشارات دانشگاه تهران، صص۳۲.

– حسینی دیوشلی، سیده فرگل؛ کریمی آذری، امیررضا. (۱۳۹۶)، استخراج راهبردهای محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم بر اساس نظریهٔ (CPTED). فصلنامهٔ مدیریت شهری، شمارهٔ ۴۸، صص۴۶۲.

– سالاری‌فر، مهیا؛ معصومی، مسیح‌الله. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل کالبدی‌محیطی طراحی فضاهای باز شهری بر ارتقای امنیت اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سبزوار. نشریهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شمارهٔ ۳۰، صص۱۴۷.

– شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمهٔ ویدا نوروز برازجانی، چاپ چهارم، نشر جان جهان، تهران، صص۵۳.

– صدوقیان‌زاده، مینوش. (۱۳۷۵)، بلندمرتبه‌سازی و فضای شهری. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، صص۶۴.

– ضرغامی، اسماعیل؛ سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۵)، شاخصه‌های معماری ایرانی‌اسلامی در مجموعه‌های مسکونی. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، صص۷۸.

– غفاری، علی؛ عبدی، ثمانه؛ نعمتی مهر، مرجان. (۱۳۹۲). تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط های مسکونی. مسکن و محیط روستا، شمارهٔ ۱۴۴، صص۴.

- Brenda, S.A. Yeoh & peil Lin Yeom (1997). "Where women fear to tread: Image of danger and the effects of fear of crime in Singapore". Geogour nal. Vol.43. NO.3. Pp.273- 286, 276.

- Carmona, Matthew, Heath Tim, oc, Taner and Tiesdell steven (2003), "public places ubran spaces", Architectural press, New York, Paris, p121.

- Cozens, Paul (2004) Urban Sustainability and Crime prevention through environmental design (CPTED) in Western Australia. Conference paper presented at the 175th.

- Jacobs, j. (1961), "The Death and Life of Great American Cities", New York, Random House.

- Newman, Oscar; Creating Defensible Space, By Oscar Newman Institure for Community Design A nalysis, 1996.

- https://doi.org/ 10.22034/40.176.45

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.45]